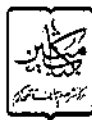


پژوهشی در

ترجمه هلاک برتر قرآن کریم

محمّد علی کوشا

www.ketab.ir



سرشناسه : کوشا، محمدعلی، - ۱۳۳۱
 عنوان و نام پدیدآور : پژوهشی در ترجمه‌های برتر قرآن کریم / محمدعلی کوشا.
 مشخصات نشر : رشت : کتاب مبین (مرکز نشر علوم و معارف قرآن کریم)، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری : ۴۸۸ ص. جدول
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۵۶-۷۲-۹
 وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا
 موضوع : قرآن -- ترجمه‌ها -- تاریخ و نقد
 رده بندی کنگره : BP ۸/۶۳/۵۹۴
 رده بندی دیویی : ۱۹/۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۳۸۹۸۳



پژوهشی در ترجمه‌های برتر قرآن کریم

نویسنده: محمدعلی کوشا
 ناشر: انتشارات کتاب مبین
 نوبت چاپ: اول
 تاریخ انتشار: ۱۳۸۹
 چاپ و صحافی: چاپ زیتون
 شمارگان: ۱۵۰۰
 قیمت: ۹۵۰۰ تومان

نشانی: رشت، خیابان امام خمینی، کوی آفرا، جنب مسجد، انتشارات کتاب مبین
 تلفن: ۲۲۴۵۵۷۵-۰۳۱ فکس: ۲۲۵۴۶۱۷-۰۳۱ همراه: ۹۱۲۱۹۷۵۱۲۳-۰

Email: ketabe.mobin@gmail.com

فهرست

پیش‌گفتار.....	۷
اقتراح درباره ترجمه قرآن، اصول و مبانی آن.....	۱۵
نقدی بر ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی از قرآن کریم (چاپ اول).....	۲۵
جلوه‌های ادب و هنر در ترجمه قرآن دکتر ابوالقاسم امامی (چاپ دوم).....	۵۷
نقدی بر ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی از قرآن کریم (چاپ دوم).....	۷۱
نقدی بر ترجمه استاد بهاء‌الدین خرّم‌شاهی از قرآن کریم (چاپ اول).....	۱۳۷
نقدی بر ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند از قرآن کریم (چاپ سوم).....	۱۷۷
معرفی و نقد ترجمه تفسیری دکتر مصطفی خرّم‌دل از قرآن کریم (چاپ دوم).....	۲۰۹
نقدی بر ترجمه استاد احمد آرام از آیات قرآن کریم در الحیة.....	۲۶۷
معرفی و نقد ترجمه تفسیری فیض الاسلام از قرآن کریم.....	۲۸۵
هنر نثرپردازی در ترجمه ابوالفتوح رازی.....	۳۱۱
معرفی و بررسی ترجمه قرآن کریم از دکتر موسوی گرمارودی (چاپ اول).....	۳۴۱
نقد ترجمه آیات در تفسیر «پرنوی از قرآن» آیت‌الله سید محمود طالقانی.....	۳۹۷
معرفی و بررسی ترجمه قرآن کریم از آقای حسین استاد ولی.....	۴۲۱
نقدی بر ترجمه خانم فاطمه مشایخ از تلخیص المیزان.....	۴۶۹

به نام آن که جان را فکرت آموخت

«در ایجاز و اختصار کلام بکوش که از إطناب و تطویل، شنونده را ملال خیزد و تو نیز به هرزه‌درایی و خیره‌سرایی مشهور گردی. از ادای الفاظ مغلقه و عبارات غیر مأنوسه کناره جوی تا سخره مردمان نشوی. تو باید در فنون سخن تبخّر جویی تا در هر محفلی به مناسبت مقام و درخور طباع، سخن گویی، و بر تو باد که در تحصیل علوم ادبیه جهد وافی به عمل آوری، و به محض تقلید، به ادای الفاظ و امثال عربیه مبادرت ننمایی.»^۱

پیش‌گفتار

نگاهی دیگر به ترجمه

واژه «تَرْجَمَه» بر وزن «فَعْلَلَه» مصدر رباعی مجرد از ماده «تَرْجَمَ يَرْجُمُ تَرْجَمَةً» مثل «دَخَرَجَ يَدْخَرِجُ دَخْرَجَةً» است. بنابراین «تَرْجَمَه» - به ضمّ جیم - که بر زبان عموم مردم رایج و متداول است، غلطی مشهور بیش نیست.

ترجمه، عبارت است از برگرداندن متنی از زبانی به زبان دیگر با رعایت مفهوم و محتوای آن متن. ترجمه باید منعکس‌کننده مفهوم و محتوای زبان مبدأ با رعایت آرایش‌های لفظی و خالی از هرگونه حشو و زوائد، در زبان مقصد باشد.

۱. پندنامه یحویه از حسنعلی خان امیرنظام گروس؛ ر.ک: سیمای بیجار گروس، ص ۱۲۰، محمدعلی کوشا، انتشارات سیروان، تهران، ۱۳۸۴ ش.

بنابراین برای برگرداندن متنی به زبان دیگر، دو عنصر، لازم و ضروری می‌نماید: نخست، «عنصر ادب» و دوم «مایه هنر». با عنصر ادب، مفهوم و محتوای زبان مبدأ به زبان مقصد وارد می‌گردد، و با مایه هنر، قالب زبان مقصد، برای گنجاندن محتوای زبان مبدأ در آن، اندازه‌گیری می‌شود، و سپس آرایش‌های لفظی ترجمه، متناسب با متن، صورت می‌گیرد. اینجاست که مترجم باید هنرمندانه، قالب ترجمه‌اش را همگون و همانند قالب متن و به اندازه آن در آورد و از افزودن هر آنچه که زائد بر قالب متن است پرهیزد و توضیح و تفسیر را با متن در نیامیزد؛ که در این صورت از مرز قانون ترجمه برون رفته است؛ زیرا ترجمه و تفسیر و توضیح، هر کدام مرز ویژه خود را دارند؛ مثلاً مطالبی که یک عرب آشنا به فنون ادب از یک آیه قرآن - بدون تفسیر آن - می‌فهمد، درست به اندازه یک فارسی زبان آشنا به فنون ادب فارسی است که از ترجمه همان آیه - بدون تفسیر آن - می‌فهمد. بنابراین اگر تفسیر و توضیحی برای متن لازم و ضروری شود، همان تفسیر و توضیح هم در مورد ترجمه همان متن صادق است. پس نباید ترجمه یک متن، با تفسیر و توضیح آن آمیخته شود که در این صورت، چنین ترجمه‌ای هیچ‌گونه ساختار هنری نخواهد داشت.

هنر مترجم در این است که تمام ساختار متن را با هیچ توضیحی در ترجمه‌اش به گونه‌ای بگنجاند که حجم ترجمه، بیش از حجم متن نباشد. حال اگر کسی بگوید: چنین محدودیتی چه بسا به نامفهوم می‌ترجمه می‌انجامد. جواب این است که: چنین موردی از دو حال خارج نیست:

۱- خود متن مجمل است که طبعاً ترجمه آن هم مجمل خواهد بود. در این صورت، همان تفسیری که برای متن لازم است، برای ترجمه هم لازم خواهد بود. ولی نه آمیخته با ترجمه، بلکه خارج از آن. اساساً در مواردی که متن مجمل است، خواه ناخواه رگه‌های اجمال هم در ترجمه دیده می‌شود؛ در این صورت هر دو نیازمند به تفسیراند که باید جداگانه تفسیر شوند.

۲- یا اینکه متن رسا و گویاست ولی ترجمه، نامفهوم و نارساست؛ در این صورت چنین ترجمه‌ای از عنوان ترجمه به مفهوم واقعی آن خارج است و چنین مترجمی که قانون ترجمه

رانمی‌شناسد و عاری از «توانایی» و «هنر» است، نباید خود را به چنین ورطه‌ای اندازد. کوتاه سخن آنکه، ترجمه باید در لفظ و معنا هماهنگ با متن و به اندازه آن، و مترجم نیز آراسته به زیور ادب و هنر و آگاه به دو زبان و پیراسته از هر گونه کاستی روح و روان باشد. البته بدین نکته نیک واقفم که مترجم هر اندازه توانا و هنرمند باشد، باز در ترجمه کلام خالق، حق مطلب را ادا نتواند کرد؛ زیرا بینهایت در نهایت ننگند، و ذهن محدود بشر به همه عمق حقایق و ظرافت‌های وحی الهی راه نیابد. ولی سخن در اینجا - به قول دکتر ابوالقاسم امامی - «اما کمال، در پویدن راه کمال است، نه در وصول به آن، چه، کمال مطلق ویژه خداست و بس.»

آب دریا با اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی، پیشینه‌ای بس استوار و درخشان دارد. از نیمه قرن چهارم تا پایان قرن ششم هجری قمری آثاری ماندگار در «ترجمه و تفسیر قرآن کریم» برجای مانده که در پیدایش ترجمه و تفسیر در زمان‌های بعد از آن کم و بیش اثرگذار بوده‌اند. از جمله: «تفسیر سورابادی»، «کشف الاسرار» میبدی، «تفسیر ابوالفتح رازی» و «تاج التراجم» اسفراینی در زمره چنین آثار پر بها و جاودان‌اند. در این میان، نقش ادبی «کشف الاسرار» معروف به «تفسیر خواجه عبدالله انصاری» تألیف امام احمد میبدی، از اهمیتی ویژه برخوردار است. زیرا هنوز نثر شیوای آن، رونق افزای بازار ادب پارسی در زمینه ترجمه آیات الهی است.

تاریخ ترجمه قرآن، از آغاز نهضت ترجمه کتاب الهی تا کنون، شاهد ترجمه‌های گوناگونی بوده که هر یک به اقتضای ادب و فرهنگ زمانه، مورد استفاده و استقبال فرهیختگان و شیفتگان قرآن کریم قرار گرفته و در نشر و گسترش زبان فارسی نقشی بسزا ایفا نموده‌اند. با توجه به توسعه و گسترش زبان در هر عصر و زمان، و سیر تکاملی واژه‌ها برای بیان مقاصد آدمیان، ارائه ترجمه‌ای شیوا و روان از قرآن کریم برای اخذ صحیح مفاهیم آن، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. دست کم در هر ربع قرن، ارائه ترجمه‌ای از آخرین کتاب آسمانی، متناسب با ساختار ذهنی و زبانی مردمان آن دوره، پاسخی بایسته و شایسته به نیازهای فرهنگی دینداران و قرآن‌پژوهان است.

بر همین اساس در نیم قرن اخیر - که به دو دوره پیش و پس از انقلاب اسلامی تقسیم می‌شود - شاهد ترجمه‌های مفید و شیوایی از قرآن کریم بوده‌ایم، که از میان آنها ترجمه‌های آقایان: «ابوالقاسم پاینده» و «زین العابدین رهنما» به عنوان ترجمه‌های ممتاز پیش از انقلاب، و ترجمه‌های آقایان: ۱- ابوالقاسم امامی، ۲- سید جلال‌الدین مجتبوی، ۳- بهاء‌الدین خرّم‌شاهی، ۴- محمد مهدی فولادوند، ۵- سید علی موسوی گرمارودی، ۶- حسین استاد ولی، ۷- سید محمد رضا صفوی، ۸- نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، ۹- مسعود انصاری، ۱۰- عبدالمحمد آیتی به عنوان ترجمه‌های ممتاز پس از انقلاب؛ حائز اهمیت فراوان‌اند؛ و هر کدام امتیاز ویژه خود را دارند. در نهایت، بعضی از این ترجمه‌ها در بُعد ادبی و هنری برای پارسی دوستان سره‌نگار، ممتاز و سرآمدند؛ همچون ترجمه ابوالقاسم امامی و برخی از این آثار در بُعد بیان مقصود و مفهوم آیات برای همگان، آری والا و کم‌نظیرند، مانند ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی.

انواع ترجمه

به طور کلی پنج نوع ترجمه از قرآن کریم قابل تصور است:

- ۱- ترجمه تطبیقی؛ ۲- ترجمه تفسیری؛ ۳- ترجمه تحت‌اللفظی؛ ۴- ترجمه مضمونی؛ ۵- ترجمه منظوم.

- مراد از ترجمه تطبیقی این است که ترجمه، کاملاً منطبق بر متن باشد و این انطباق باید هم در کمیت باشد و هم در کیفیت؛ یعنی هم حجم ترجمه به اندازه حجم متن، و مفهوم و محتوای ترجمه هم بیانگر مفهوم و محتوای متن باشد. ترجمه‌های آقایان: امامی، آیتی، خرّم‌شاهی، گرمارودی، فولادوند، خواجه‌وی، مکارم، صالحی، انصاری، انصاریان، صلواتی، کرّمی، پورجوادی، رضائی اصفهانی، ارفع، حلبی، بهرام‌پور، طاهری قزوینی، صادقی تهرانی و حدّاد عادل چنین‌اند.

- مراد از ترجمه تفسیری، ترجمه‌ای است که با توضیح و تفسیری کوتاه آمیخته است. ترجمه‌های آقایان: فیض الاسلام، خرّم‌دل و صفوی چنین‌اند. و همچنین ترجمه‌های آقایان: مجتبوی، استاد ولی و مشکینی نزدیک به تفسیری‌اند.

- مراد از ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه‌ای است که معنی هر کلمه از آیات زیر آن گنجانده شود، و مترجم در ارائه معانی کلمه به کلمه آیات، خود را مقید به رعایت ضوابط دستوری زبان مقصد نکند. چنین ترجمه‌ای طبعاً از مقوله ترجمه مصطلح، خارج و در واقع در چهارچوبه «لغت معنی» یا «فرهنگ لغات قرآن» قرار می‌گیرد. ترجمه‌های آقایان: مصباح‌زاده، معزی و کابلی از این قبیل‌اند.

- مراد از ترجمه مضمونی، ترجمه‌ای است که مترجم تنها مضمون آیات را در قالب زبان مقصد بگنجاند و خود را مقید به تطبیق جمله به جمله ترجمه با متن نگرداند. ترجمه آقای محمدباقر بهودی با عنوان «معانی القرآن» تقریباً چنین است. در میان ترجمه‌های نهج‌البلاغه نیز ترجمه جواد فاضل می‌تواند مصداق روشن‌تری از ترجمه مضمونی باشد. گویا آنچه که به عنوان «ترجمه آزاد» بر سر زبان‌ها جاری است گونه‌ای از ترجمه مضمونی باشد.

- مراد از ترجمه منظوم، ترجمه شعری از قرآن کریم است یعنی مفهوم و محتوای آیات، در قالب نظم ارائه شود که طبعاً تا حدود زیادی سمت و سوی ترجمه مضمونی پیدا می‌کند؛ زیرا قالب نظم هر اندازه دقیق هم باشد، نمی‌تواند مانند نثر مفاهیم متن را در خود جای دهد. بهترین نمونه بارز این گونه ترجمه در زبان فارسی، ترجمه و تفسیر صفی‌علیشاه است که ترجمه و تفسیر منظوم همه آیات را شامل می‌شود.

پس از انقلاب اسلامی، ترجمه‌های منظوم دیگری ارائه شده‌اند که از جمله آنها می‌توان ترجمه‌های منظوم آقایان: امید مجد، محمد شائق قمی، شهاب‌تشر آرانی و کرم خدا امینیان نهادندی را می‌توان نام برد.

در سیر مطالعاتی قرآن‌پژوهی این جانب، مجموعه ترجمه‌هایی که تاکنون از نظر گذرانده‌ام عبارتند از:

- ۱- ترجمه تفسیر طبری، این ترجمه، نخستین ترجمه قرآن به زبان فارسی است که در اوائل نیمه دوم قرن چهارم هجری در دوران سلطنت منصور بن نوح سامانی (۳۵۰-۳۶۵ق) و به دستور او از روی تفسیر طبری به فارسی نگارش یافته است. متن کامل این اثر را مرحوم حبیب یغمایی در هفت مجلد تصحیح و سپس منتشر نموده‌اند.

۲- تاج التّراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، اثر شاهفور بن طاهر اسفراینی، مربوط به قرن پنجم (حدود ۴۳۰ ه‍.ق به بعد). از این اثر تاکنون سه مجلد آن توسط نشر میراث مکتوب به چاپ رسیده است.

۳- تفسیر سورآبادی از ابوبکر عتیق نیشابوری معروف به سورآبادی، مربوط به قرن پنجم هجری، این اثر توسط مرحوم علی اکبر سیرجانی در پنج مجلد تصحیح و تحقیق شده و ترجمه جداگانه آیات آن نیز جداگانه به وسیله محمد مهیار تصحیح و انتشار یافته است.

۴- تفسیر رَوْضُ الْجَنان و رَوْحُ الْجَنان ابوالفتوح رازی مربوط به قرن ششم هجری که توسط دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح در بیست مجلد تصحیح و ترجمه جداگانه آیات آن نیز جداگانه به وسیله محمد مهیار تصحیح و انتشار یافته است.

۵- تفسیر کشف الاسرار میلادی مربوط به قرن ششم هجری که ترجمه جداگانه آیات آن نیز توسط حبیب الله آموزگار تصحیح و انتشار یافته است.

۶- ترجمه تفسیر نَسَفی از عمر بن محمد نَسَفی، مربوط به نیمه دوم قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، این اثر توسط دکتر عزیزالله جوینی در دو مجلد تصحیح و انتشار یافته است.

۷- ترجمه و تفسیر بصائر یمینی از معین الدّین محمد بن محمود نیشابوری، مربوط به قرن ششم هجری قمری، این اثر به وسیله دکتر علی رواقی تصحیح و انتشار یافته است.

۸- ترجمه و تفسیر مواهب علیّه یا «تفسیر حسینی» از کمال الدّین حسین بن علی کاشفی معروف به حسین واعظ کاشفی سبزواری، این اثر به وسیله دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی در چهار مجلد تصحیح و در سال ۱۳۱۷ شمسی از سوی کتابفروشی اقبال در تهران چاپ و انتشار یافته و بارها در پاکستان نیز همراه با ترجمه فارسی شاه ولی الله دهلوی چاپ و منتشر شده است.

۹- تفسیر منهج الصّادقین ملافه الله کاشانی.

۱۰- ترجمه و تفسیر کابلی از محمود حسن دیوبندی و شبیر احمد دیوبندی که

اصل آن به زبان اردو بوده و در سال ۱۳۲۳ قمری زیر نظر گروهی از علمای افغانی به فارسی ترجمه شده است.

۱۱- ترجمه و تفسیر شریف لاهیجی از بهاء‌الدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی، مربوط به قرن یازدهم هجری قمری که با تصحیح و تحقیق جلال‌الدین محدث ارموی چاپ و انتشار یافته است.

۱۲- ترجمه محمد طاهر شیبانی کاشانی معروف به بصیرالملک در یک مجلد که در سال ۱۳۴۴ از سوی انتشارات محمد حسن علمی در تهران چاپ و منتشر شده است.

۱۳- ترجمه محمد کاظم معزی، ۱۴- ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ۱۵- ترجمه سید علی نقی فیض‌الاسلام، ۱۶- ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۷- ترجمه زین‌العابدین رهنما، ۱۸- ترجمه حکمت آل آقا، ۱۹- ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی در ضمن ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰- ترجمه عباس مصباح‌زاده، ۲۱- ترجمه سید ابوالفضل برقی، ۲۲- ترجمه حسین عمادزاده، ۲۳- ترجمه حاج عبدالمجید صادق نویری، ۲۴- ترجمه حاج شیخ رضا سراج، ۲۵- ترجمه شیخ محمود یاسری، ۲۶- ترجمه محمد خواجوی، ۲۷- ترجمه جلال‌الدین فارسی، ۲۸- ترجمه ابوالقاسم امامی، ۲۹- ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی، ۳۰- ترجمه محمد باقر بهبودی، ۳۱- ترجمه کاظم پورجوادی، ۳۲- ترجمه محمد مهدی فولادوند، ۳۳- ترجمه بهاء‌الدین خرّم‌شاهی، ۳۴- ترجمه مصطفی خرّم‌دل، ۳۵- ترجمه مسعود انصاری خوشابر، ۳۶- ترجمه عبدالمجید معادیخواه، ۳۷- ترجمه علی اصغر حلی، ۳۸- ترجمه اصغر برزی، ۳۹- ترجمه محمد صادقی تهرانی، ۴۰- ترجمه سید علی موسوی گرمارودی، ۴۱- ترجمه حسین انصاریان، ۴۲- ترجمه سید کاظم ارفع، ۴۳- ترجمه علی اکبر طاهری قزوینی، ۴۴- ترجمه علی مشکینی، ۴۵- ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۴۶- ترجمه طاهره صفارزاده، ۴۷- ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور، ۴۸- ترجمه محمد علی رضایی اصفهانی و همکاران، ۴۹- ترجمه علی کریمی فریدنی، ۵۰- ترجمه محمود صلواتی، ۵۱- ترجمه صفی‌علیشاه، ۵۲- ترجمه محمد حسین ابراهیمی، ۵۳- ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ۵۴- ترجمه سید محمد رضا صفوی، ۵۵- ترجمه حسین استادولی، ۵۶- ترجمه سید حسن ابطحی، ۵۷- ترجمه امیر توحیدی، ۵۸- ترجمه

هوشنگ آبان، ۵۹- ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ۶۰- ترجمه اکبر ایران‌پناه، ۶۱- ترجمه احمد کاویانپور، ۶۲- ترجمه محمدجواد مشکور، ۶۳- ترجمه علی‌اکبر سروری، ۶۴- ترجمه سید مهدی دادور، ۶۵- ترجمه تفسیر کوثر از یعقوب جعفری که تاکنون هشت جلد آن چاپ و انتشار یافته است، ۶۶- ترجمه تفسیر جوامع الجامع از آقایان: احمد امیری شادمهری، اکبر غفوری، حبیب روحانی، علی عبدالحمیدی و عبدالعلی صاحبی، ۶۷- ترجمه تفسیر الکاشف از موسی دانش که تاکنون هفت جلد آن چاپ شده است. ۶۸- ترجمه نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، ۶۹- ترجمه غلامعلی حدّاد عادل، ۷۰- حسن مصطفوی در تفسیر روشن، ۷۱- ترجمه کرم‌خدا امینیان نهاوندی، ۷۲- ترجمه منسوب به ابوالحسن شعرانی.

کتابی که پیش رو دارید مجموعه مقالات نقد و بررسی ترجمه‌های ممتاز از قرآن کریم است که نویسنده این سطور به جهت ارج و اعتباری که برای این آثار و مترجمان آنها قائل است، در حیطه شناخت خویش اقدام به نقد و اصلاح آنها نموده است. انگیزه اساسی این جانب در تمامی نقدها، چیزی جز توجه به آموزش درست و استوار فن ترجمه قرآن در قالب نشری روان و برگرفته از ادب و هنر درخور فرهیختگان زمان نبوده و نیست، و در این عرصه آنچه در توان دارد مکتوم نمی‌دارد و رهنمودها و نقدهای مشفقانه اهل نقد و نظر را صمیمانه خواهان و پذیرا می‌باشد.

پس از مرحله پایانی حروفچینی این اثر، دوست فاضل ارجمندم جناب آقای محمد جوکار با حوصله و دقت فراوان آن را بازخوانی کردند و نکات بسیار مفیدی را که حاکی از نکته‌سنجی و نازک‌بینی ذهن نقّادشان بود یادآور شدند که صمیمانه قدردان و سپاسگزار الطاف ایشانم.

زمستان ۱۳۸۹

محمدعلی کوشا